تجربه تلخ «بی‌طرفی» بدون «قدرت بازدارنده»

۱۰ آبان سال ۱۲۹۳ و به‌دنبال آغاز جنگ جهانی اول، ایران اعلام بی‌طرفی کرد. اما هیچ کدام از طرفین درگیری این بی‌طرفی را به‌رسمیت نشناخت و کشور ما به‌صحنه سخت‌ترین درگیری‌ها و نیز، وقوع بلایایی مانند «قحطی بزرگ» تبدیل شد. وضعیتی که در شهریور ۱۳۲۰ هم، شاهد تکرار آن بودیم. بررسی چرایی و چگونگی این وضعیت در جنگ جهانی اول، موضوع نوشتار پیشِ‌رو است

سال ۱۲۹۴، جایی در مرکز ایران - انگلیسی‌ها افراد محلی را برای جنگ با عثمانی آموزش می‌دهند

جواد نوائیان رودسری – ایران در هر دو جنگ جهانی، اعلام بی‌طرفی کرد تا از عوارض این نزاع عالم‌گیر در امان بماند. اما نه تنها بی‌طرفی‌اش را نادیده گرفتند، بلکه سخت‌ترین و نکبت‌بارترین شرایط را هم به کشور ما تحمیل کردند. طی هر دو جنگ جهانی، ایران به اشغال طرف‌های درگیر درآمد و استقلال و تمامیت ارضی آن به کلی نادیده گرفته شد. امروز، دهم آبان، یادآور یکی از آن نادیده گرفته شدن‌هاست؛ روز ۱۰ آبان سال ۱۲۹۳ / اول نوامبر ۱۹۱۴، دولت مستوفی‌الممالک به سفارتخانه‌های دولت‌های درگیر در جنگ رسماً اعلام کرد که ایران در این نزاع عالم‌گیر بی‌طرف باقی خواهد ماند. اما درست در همان زمان، ستون‌های پیاده و سواره ارتش عثمانی وارد منطقه «قطور» در مرز شمال غربی ایران شدند و به سرعت خوی، ساوجبلاغ و ارومیه را اشغال کردند. عثمانی‌ها در ۱۴ ژانویه / ۲۳ دی‌ماه توانستند خودشان را به تبریز برسانند و اصلی‌ترین شهر ایران در شمال غرب کشور را تسخیر کنند. ماجرا به همین جا ختم نشد. عملیات نیروهای عثمانی با مدیریت آلمان‌ها، در جنوب غربی ایران ادامه پیدا کرد و اواخر ژانویه / اواسط بهمن‌ماه، ارتش عثمانی به ۴۰ کیلومتری اهواز رسید. در همان حال، نیروهای انگلیسی برای جلوگیری از پیشروی نیروهای عثمانی و آلمان به سمت مرزهای هندوستان، در شش نوامبر ۱۹۱۴، بندر فاو در جنوب عراق را که بخشی از مستملکات عثمانی بود، تصرف کردند و در ۱۰ نوامبر، بندر آبادان و خرمشهر به اشغال کامل قوای انگلیسی درآمد. همزمان یک گردان از قوای انگلیس، وارد بندر بوشهر شد و به سرعت اختیار امور را به دست گرفت. این هنوز آغاز درگیری بود.

■ **آغاز قحطی بزرگ**

جواب سفارتخانه‌های روسیه تزاری، انگلیس، عثمانی و آلمان به اعتراضات دولت ایران را نسبت به نقض بی‌طرفی، می‌توان در دو کلمه خلاصه کرد: «عدم اعتنا»! طولی نکشید که جنگ در خاک ایران، از حالت اشغال یک طرفه، به جدال سنگین طرفین جنگ در محدوده سرزمینی کشور ما تغییر وضعیت داد. انگلیسی‌ها برای کنترل پیشروی طرف مقابل، تصمیم وحشتناکی گرفتند؛ قطع مسیر انتقال غلات و مواد غذایی برای زمین‌گیر کردن نیروهای عثمانی و آلمان. انبارهای غله در تبریز، قزوین، زنجان و بسیاری از شهرها به آتش کشیده شد و راه‌های ارتباطی به شدت تحت مراقبت قرار گرفت. انگلیسی‌ها عبور و مرور کاروان‌های غلات را در گستره‌ای وسیع محدود کردند. به تدریج سایه قحطی بر سر ایرانیان افتاد؛ هشت میلیون نفر از جمعیت ۱۶ میلیون نفری ایران، بین سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۶، بر اثر ایجاد قحطی مصنوعی و مدیریت شده بریتانیا، جان خود را از دست دادند. این آمار، بعد از هجوم مغولان در قرن هفتم، سهمگین‌ترین قتل‌عام و نسل‌کشی در تاریخ ایران بوده است.

■ **بهانه نقض بی‌طرفی**

جنگ جهانی اول با ترور ولیعهد اتریش، «آرشیدوک فرانتس فردیناند» در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ آغاز شد؛ ابتدا آلمان و اتریش با روسیه تزاری درگیر شدند و در پی آن، تمام کشورهای اروپایی به این معرکه پیوستند. به تدریج دامنه نزاع به بیرون از خاک اروپا کشیده شد. عثمانی‌ها که در ابتدای کار خود را بی‌طرف اعلام کرده بودند، پیش از نوامبر ۱۹۱۴، در کنار آلمان و اتریش قرار گرفتند و وارد جبهه متحدین شدند. این اتفاق، پای جنگ را به غرب آسیا باز کرد. روسیه تزاری که در جبهه متفقین قرار داشت، تصمیم گرفت حساب‌های شخصی خودش را با ترک‌ها تسویه کند؛ قفقاز و شمال غربی ایران عرصه این تسویه‌حساب خونین بود. روس‌ها که بر اساس قرارداد ۱۹۰۷م برای تسلط بر بخش اعظم شمال و مرکز ایران با انگلیسی‌ها به توافق رسیده بودند، از همه ظرفیت نظامی‌شان در کشور ما برای ضربه زدن به عثمانی استفاده کردند. طولی نکشید که بریتانیا برای کنترل بهتر اوضاع، در قراردادی پنهانی، اسلامبول را حق روسیه دانست و در عوض، منطقه بی‌طرفی را که بین دو محدوده تقسیم شده شمال و جنوب ایران قرار داشت و شامل مناطق نفتی خوزستان هم می‌شد، به دست آورد. به این ترتیب، در نوامبر سال ۱۹۱۴، ایران به طور کامل میان دو دولت استعماری تقسیم شد. نه مجلس و نه دولت ایران، عملاً قدرت هیچ اقدامی را نداشتند. معدود تلاش‌ها برای حفظ استقلال ایران نیز، با تکیه بر یک قدرت خارجی دیگر، یعنی آلمان آغاز شد؛ موضوعی که سرنوشت ایران را در بازی جدید، با خواست و منافع یک دولت اجنبی تازه از راه رسیده گره می‌زد. تلاش‌های مستوفی‌الممالک عملاً راه به جایی نبرد. انگلیسی‌ها موافق بی‌طرفی ایران بودند چون این وضعیت باعث جلوگیری از پیشروی متحدین به سمت مرزهای هندوستان می‌شد، اما این وسط یک مشکل اساسی وجود داشت که هم روسیه تزاری و هم انگلیس نسبت به آن نگران بودند و این نگرانی در پاسخ رسمی سفارت روسیه در تهران به وزارت خارجه ایران پس از درخواست دولت برای خارج کردن سربازان روس از آذربایجان، انعکاسی تمام پیدا کرد: «احضار قشون روس از آذربایجان فعلاً غیرممکن است زیرا فقط وجود قشون مزبور می‌تواند موجبات امنیت اتباع روس و خارجه را فراهم آورد. به واسطه عدم وجود قوای دولت ایران این امنیت ممکن‌الوصول نمی‌باشد.» معنای این جملات کاملاً واضح است؛ ایران قدرت حفاظت از مرزهای خود را ندارد و نمی‌تواند نسبت به دولت‌های متخاصم، بازدارندگی لازم را اعمال کند. این دقیقاً همان پاسخی بود که «عاصم‌بیک» سفیر عثمانی، در جواب اعتراض ایران به نقض بی‌طرفی ارائه کرد: «حضور قشون روس در آذربایجان قطع نظر از این که حدود ما را تهدید می‌کند، خود نقض این بی‌طرفی است و مادام که قشون اجنبی در خاک ایران اقامت دارد، واضح است که نمی‌توان به رعایت کامل این بی‌طرفی از طرف روس‌ها مطمئن بود. از این رو دولت عثمانی نمی‌تواند نسبت به بی‌طرفی ایران متعهد باشد و آن را رعایت کند.»

■ **خطر مستعمره شدن ایران**

هر تلاشی برای سامان دادن به اوضاع در آن شرایط با شکست کامل روبه‌رو می‌شد؛ دولتمردان ایران اصولاً راه نجات را در بستن پیمان با اجنبی‌ها می‌دانستند؛ فقدان زیرساخت‌ها، نبود نیروهای کارآمد و تهی بودن خزانه کشور، جایی برای اندیشیدن به تجهیز قشون و استفاده از ظرفیت داخلی باقی نمی‌گذاشت. علاوه بر این، بخش عمده دولتمردان نیز، از دیرباز با سفارتخانه‌های روس و انگلیس مرتبط و مجری سیاست‌های این دو دولت استعماری بودند. چنان که وقتی زمزمه تمایل گروهی از نمایندگان مجلس به متحدین، فراگیر شد، انگلیسی‌ها مستقیماً دخالت کردند و عبدالحسین میرزا فرمانفرما را سر کار آوردند. نخست‌وزیر جدید، به جای تلاش برای رفع قحطی و نجات نفوس ایرانیان، به قلع و قمع طرفداران آلمان در میان رجال سیاسی پرداخت و بهانه به دست بریتانیا داد تا دخالت گسترده خود را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران توجیه کند. «کرزن»، وزیر خارجه بریتانیا در سال ۱۹۱۹ که سخت طرفدار انعقاد قرارداد تحت‌الحمایگی ایران و تبدیل کشور ما به مستعمره بود، بعدها در گزارش تفصیلی خود درباره لزوم دخالت در ایران به کابینه انگلیس چنین نوشت: «گرچه حکومت ایران به ظاهر بی‌طرفی خود را در این جنگ اعلام کرده بود ولی وضع عمومی ایران تحت تأثیر علل و عوامل متعدد که برخی از آن‌ها ناشی از تبلیغات مضرّه آلمان‌ها و برخی دیگر معلول حمله نظامی تُرک‌ها به ایران و قسمتی دیگر هم ناشی از خصومت خودِ دولت ایران نسبت به متفقین بود، چنان سخت و حساس شد که برای حفظ امنیت مرزهای افغانستان و هند... ناچار شدیم از همان آغازِ امر این کشور را در عین بی‌طرفی به شکل صحنه‌ای از صحنه‌های مهم جنگ جهانی تلقی کنیم.» با روی کار آمدن فرمانفرما، الگوی توسعه نیروهای نظامی در ایران، در همکاری مشترک روسیه تزاری و انگلیس و در راستای منافع این دو دولت استعماری اجرایی شد. «بریگاد» (تیپ) قزاق به «دیویزیون» (لشکر) ارتقا یافت و آمار نیروهای آن که کاملاً تحت کنترل روسیه تزاری بودند، به ۱۱ هزار نفر رسید. هزینه این نیروها، از خزانه خالی و ورشکسته دولت ایران تأمین می‌شد. انگلیسی‌ها نیز، در جنوب یک نیروی ۱۰ هزار نفری، موسوم به «پلیس جنوب» تأسیس کردند تا همان وظایف قزاق‌ها را در شمال، برای حفظ منافع انگلیس در جنوب ایفا کند. بودجه ۲۰۰ هزار تومانی نگهداری این نیرو، توسط انگلیسی‌ها و در قالب پرداخت وام بلندمدت به دولت ایران تأمین می‌شد! فقدان قدرت بازدارنده، عملاً استقلال ایران را بر باد داد؛ آن گونه که حتی زعمای قوم نیز، دیگر امیدی به حفظ ایران نداشتند. زنده‌یاد ملک‌الشعرا بهار در جلد نخست کتاب «تاریخ احزاب سیاسی ایران»، ضمن تشریح شرایط ناگوار آن روزها، به اظهار نظر برخی مسئولان مملکتی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ناصرالملک (نایب‌السلطنه احمدشاه) می‌گفت که ایران رفته است و امیدی به بقای استقلال و تمامیت ملکیه این کشور نمی‌توان داشت! و حتی از این سخنان یأس‌آمیز و زهردار باشاه جوان نیز گفته می‌شد و شاه را به جمع مال و نومیدی از مردم و مملکت تشویق می‌کرد.» درس بزرگی که می‌توان از مرور این فراز تاریخ ایران گرفت، توجه به همان اصلی است که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی هر سرزمینی الزامی به نظر می‌رسد؛ تأمین مؤثر قدرت بازدارنده و تغییر مثبت عمق راهبردی برای جلوگیری قاطع از هجوم به مرزهای کشور. اصلی که برخی در روزگار ما، به بهانه‌های واهی، آگاهانه و ناآگاهانه، به دنبال انکار آن هستند و موقعیت دفاعی برتر ایران را عاملی برای بروز چالش‌های بین‌المللی فرض می‌کنند!

نکته تاریخی

بازی فتحعلی‌شاه در زمین ناپلئون

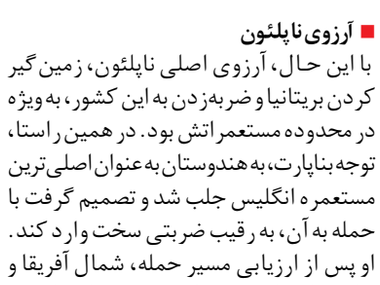

ادامه‌دار شدن جنگ‌های ایران و روسیه‌تزاری، علاوه بر از دست دادن سرزمین‌های بسیاری از ایران، آثار سوء دیگری نیز، در پی داشت. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، فتحعلی‌شاه که سخت از شرایط به‌وجود آمده، دچار وحشت شده بود، برای فرار از این اوضاع، کوشید تا به قدرت‌های اروپایی که در آن زمان، در عطش کسب منافع استعماری می‌سوختند، متوسل شود. این دوران، مقارن با توسعه‌طلبی‌های ناپلئون بناپارت در اروپا بود؛ دورانی که امپراتور فرانسه توانست با استفاده از نبوغ نظامی و البته شرایط حاکم بر کشورهای اروپایی، بخش‌های مهمی از قاره سبز را اشغال کند.

■ **آرزوی ناپلئون**

با این حال، آرزوی اصلی ناپلئون، زمین‌گیر کردن بریتانیا و ضربه‌زدن به این کشور، به‌ویژه در محدوده مستعمراتش بود. در همین راستا، توجه بناپارت، به هندوستان به‌عنوان اصلی‌ترین مستعمره انگلیس جلب شد و تصمیم گرفت با حمله به آن، به رقیب ضربتی سخت وارد کند. او پس از ارزیابی مسیر حمله، شمال آفریقا و خاورمیانه را بهترین راه تشخیص داد. با توجه به نیاز مبرم قاجارها به کمک در برابر حملات روسیه، بناپارت فرصت را مغتنم شمرد و ضمن دادن پیشنهاد دوستی، عهدنامه فین‌کن‌اشتاین را با قاجارها منعقد کرد؛ این قرارداد در واقع جاده صاف‌کن فرانسه برای رسیدن به هندوستان بود؛ ناپلئون به فتحعلی‌شاه وعده داد که نظامیان ایران را مطابق اصول جدید آموزش خواهد داد.

■ **خیانت به ایران**

هیئت ژنرال گاردان، ظاهراً برای آموزش ارتش و در اصل برای نقشه‌برداری از راه‌ها و تعیین مسیر عبور نیروهای فرانسوی، راهی ایران شد و توانست در مدت کوتاهی، اهداف اطلاعاتی ناپلئون را برآورده کند. فرانسوی‌ها که برای اجابت خواست فتحعلی‌شاه امروز و فردا می‌کردند، پس از شکست از بریتانیا در نبرد دریایی نیل و تغییر سیاستشان، برای فشار بر انگلیسی‌ها، به دوستی با روسیه رو آوردند و نقشه عبور از ایران را کنار گذاشتند. ناپلئون در «تیلسیت» با الکساندر، تزار روسیه، دست مودت داد و قرارداد صلح امضا کرد و به‌راحتی، هم‌پیمان ایرانی خود را از یاد برد. به این ترتیب، بازی شاه قاجار در زمین بناپارت، بدون نتیجه‌ای خاص برای ایران، پایان یافت.

حمایت فلسطینی‌ها از ملی شدن نفت ایران

محمدامین الحسینی

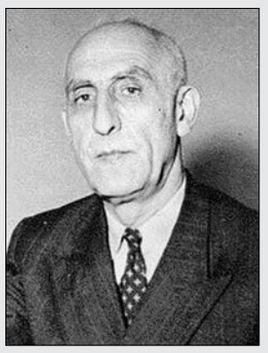

در تاریخ ایران، اغلب حمایت‌ها از فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی، توسط جریان‌های اسلامی یا جریان چپ بوده است، اما مصدق با وجود اختلاف شدید با جریان‌های ذکرشده، در زمینه حمایت از مردم فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی، رویکردی شبیه آن‌ها اتخاذ کرد. موضوع فلسطین از آغاز، همواره برای ایرانیان مسئله‌ای جدی و درخور توجه بوده است؛ مسئله‌ای که نه فقط با امنیت ملی ما، بلکه به تعبیر محمدرضا تاجیک در کتاب «فلسطین از نگاه ایرانی»، با امنیت هستی‌شناختی ما تلازم داشته و دارد. رویکرد دکتر محمد مصدق، به عنوان یکی از رجال مشهور تاریخ معاصر ایران به مسئله فلسطین و رژیم صهیونیستی، چیزی جدای از این رویه نبود. مواجهه دکتر مصدق با مسئله فلسطین را در دو بخش می‌توان مورد توجه قرار داد: نخست مراوده شخصی و در ادامه سیاسی وی با محمد امین الحسینی، مفتی فلسطینی و دوم، رویکرد سیاسی و بروکراتیک وی در تعطیلی کنسولگری ایران در سرزمین‌های اشغالی و فسخ شناسایی دوفاکتوی رژیم صهیونیستی توسط ایران. باید توجه داشت که در تمام این موارد، حضور آیت‌ا... کاشانی در کنار مصدق و توجه عامه مردم به اندیشه‌ها و سخنان او، نقشی کلیدی و محوری داشت. بنابراین، آیت‌ا... کاشانی در اتخاذ تصمیم دکتر مصدق برای هم‌سویی با ملت ایران در مسیر مخالفت با رژیم صهیونیستی، تأثیر جدی داشت. از سوی دیگر، توافق‌هایی بین دکتر مصدق و برخی از کشورهای عربی به‌وجود آمده بود که بر اساس آن، نخست‌وزیر ایران بر آن شد تا با فسخ شناسایی دوفاکتوی رژیم صهیونیستی، از حمایت‌های کشورهای عربی در قبال موضوع نفت برخوردار شود. این مسئله، در آن زمان، یکی از دغدغه‌های مهم جهان عرب بود.

پس از اعلام ملی شدن صنعت نفت ایران و آغاز نخست‌وزیری دکتر مصدق، محمد امین الحسینی، مفتی فلسطین، در نامه‌ای به وی، ضمن اعلام تهنیت به مناسبت پیروزی عظیم ملت ایران، نوشت: «هیئت‌های اسلامی به پا خاسته، «رجال الازهر شریف»، «الشباب المسلمین»، «اخوان المسلمین»، «هدایت اسلامیه» و... شما را به مبارزه نیکوی خود تأیید می‌کنند.» مصدق نیز در پاسخ به این نامه، نوشت: «ملت ایران در این قدم خطیری که برداشته است، خیلی احتیاج به ادعیه عموم مسلمین و مخصوصا به دعای آن جناب دارد.» هر چند پاسخ دکتر مصدق، متضمن بسیاری از انگاره‌های مذهبی ایرانیان نبود، اما نشان از رویکرد مثبت وی نسبت به حمایت از فلسطینی‌ها داشت. در هر حال، او در تمام دوران نخست‌وزیری‌اش، این سیاست را تقویت کرد و حاضر نشد با رژیم صهیونیستی رابطه برقرار کند.

وزارت راه و شهرسازی
شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید
شرکت عمران شهر جدید بینالود

«نوبت اول»

«فراخوان خرید خدمات مشاوره کارفرما (نظارت عالیه) در احداث واحدهای مسکونی طرح نهضت ملی مسکن در شهر جدید بینالود» شماره ۱۱۴-۱۴۰۲

شرکت عمران شهر جدید بینالود در نظر دارد فراخوان «خرید خدمات مشاوره کارفرما (نظارت عالیه) در احداث واحدهای مسکونی طرح نهضت ملی مسکن در شهر جدید بینالود» را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مشاوران دارای صلاحیت، ارسال درخواست پیشنهاد (RFP)، ارائه پیشنهاد مشاوران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت امضا گواهی الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند. شماره فراخوان ۲۰۰۲۰۰۱۲۸۲۰۰۰۰۲۶ و تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۸.۱۰ می باشد.

توجه: در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اسناد استعلام ارزیابی کیفی ارائه شده است که میبایست توسط مشاوران به طور کامل و دقیق تکمیل و بارگذاری گردد. بدیهی است مشاورانی که امتیاز لازم را در ارزیابی کیفی کسب نمایند، جهت ارزیابی فنی دعوت خواهند شد.

۱. **موضوع خرید خدمات مشاوره:** خرید خدمات مشاوره کارفرما (نظارت عالیه) در احداث واحدهای مسکونی طرح نهضت ملی مسکن در شهر جدید بینالود»
۲. **گواهینامه صلاحیت/پایه مورد نیاز:** گواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره حداقل رتبه دو در تخصص ساختمان از سازمان برنامه و بودجه کشور.
۳. **روش انتخاب مشاور:** تعرفه
۴. **مدت انجام پروژه:** ۲۴ ماه.
۵. **محل انجام پروژه:** کیلومتر ۵۵ اتوبان مشهد-نیشابور-شهر جدید بینالود
برآورد حق الزحمه خدمات مشاوره: ۵۸.۲۷۲.۱۱۵.۲۸۲ ریال (پنجاه و هشت میلیارد و دویست و هفتاد و دو میلیون و یکصد و پانزده هزار و دویست و هشتاد و دو ریال) بر اساس بخشنامه شماره ۱۴۰۰/۹۹۳۴۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۴ (دستورالعمل نحوه انتخاب عوامل و تعیین حق الزحمه خدمات نظارت کارگاهی مشاوران سال ۱۴۰۰) و اعمال ضریب بروزرسانی بخشنامه شماره ۱۴۰۲/۱۱۴۶۶۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۹ (دستورالعمل تعیین حق الزحمه خدمات نظارت).
۶. **شرایط عمومی قرارداد:** شرایط عمومی همسان قراردادهای خدمات مشاوره، موضوع بخشنامه ۱۴۰۱/۴۷۶۶۴۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
۷. **نام و نشانی کارفرما:** شرکت عمران شهر جدید بینالود به نشانی: کیلومتر ۵۵ اتوبان مشهد- نیشابور- شهر جدید بینالود- محله دلبران-بلوار بعثت
۸. **مهلت زمانی دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:** از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۸.۱۰ تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۸.۱۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت.
۹. **مهلت زمانی ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی:** از روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۸.۱۸ تا ساعت ۱۹:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۸.۲۵ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت.
۱۰. در روز شنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۸.۲۷ راس ساعت ۱۰:۰۰ پاسخ استعلام ارزیابی کیفی بازگشایی و حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز بررسی و امتیازدهی می شود و نتایج آن در درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اعلام می گردد.
۱۱. برای دستیابی به اطلاعات بیشتر به سامانه اینترنتی شهر جدید بینالود (www.binalood.ntdc.ir) و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات (http://iets.mporg.ir) و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) مراجعه و یا با شماره ۰۵۱۳۳۵۶۴۲۲۰ (شرکت عمران شهر جدید بینالود) تماس حاصل فرمایید.

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید بینالود
۴۱۷۷۳

آگهی دعوت از مجاورین

نظر به درخواست آقایان مجتبی و محمدنبی شهرت هر دو داوری مالکین مشاع ششدانگ یکقطعه دالستان یکقطعه دالستان پلاک ۹۰۸ فرعی از ۵۴- اصلی واقع در دهکده کنگ بخش شش مشهد مبنی بر صدور سند مالکیت کاداستری پلاک مذکور در اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه های ثبتی و باستناد ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا، و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نماینده و نقشه بردار این اداره در روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۲/۰۸/۱۶ ساعت ۹:۳۰ صبح جهت معاینه محل ملک مورد تقاضا در محل وقوع ملک حضور خواهند یافت لذا بموجب این آگهی از مالکین مشاعی و مجاورین پلاک فوق الذکر دعوت بعمل می آید به جهت حفظ حقوق مالکانه وعدم تضییع حق احتمالی در موعد مقرر در این آگهی در محل وقوع ملک مورد تقاضا حضور یابند. بدیهی است عدم حضور در موعد تعیین شده فوق مانع ادامه عملیات ثبتی نخواهد شد.م الف ۴۲۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۸/۱۰

حسن ابوترابی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز –از طرف محمد ایرانی
۴۱۷۹۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۰۳۰۰۰۵۷۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اکبر رستمی فرزند مهدی بشماره شناسنامه ۱۰۴۶ صادره از مشهد در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب گاراژ به مساحت ۳۴۲.۴۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۷۴۲ فرعی از ۲۱ اصلی بخش ۹ مشهد، واقع در رستمی ۳۸ محمد آباد ۱۸ قطعه چهارم خریداری از مالک رسمی آقای حسین مزدوری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۵۰۵۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۸/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۸/۲۵

علی فضلی– رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس
۴۱۷۵۶

مزایده ماهه
زودتر با خبر شوید ...
www.mozayedemonaghese.com
واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵